

# دین

## از دید « روزا لوکسامبورگ »

کلیسا، برای مبارزه با سوسیال دموکراسی، دو وسیله در دست دارد. در جایی که مانند کشور ما (لهستان) جنبش کارگری شروع به شناساندن خود کرده است و طبقات دارنده هنوز امیدوارند که آنرا نابود کنند، روحانیت با موعظه های تهدید آمیز، تهمت زدن به کارگران و محکوم کردن « آزمندی » آنان، علیه سوسیالیستها مبارزه می کند. اما در کشورهایی که آزادی های سیاسی بدست آمده حزب کارگران نیرومند است، مانند آلمان، فرانسه و هلند، روحانیت در جستجوی وسائل دیگری است. در این کشورها، روحانیت مقصود واقعی اش را پنهان می کند و دیگر نه مانند یک دشمن آشکار، بلکه همچون دوستی مصنوعی، با کارگران روبرو می شود.

بدین ترتیب کشیشانی را می بینید که کارگران را سازمان می دهند و اتحادیه های کارگری « مسیحی » بوجود می آورند. آنها از این راه سعی دارند ماهی را با تور خویش بگیرند، کارگران را به درون این اتحادیه های تقلبی بدام بیندازند. جایی که آنان تحقیر را می آموزند، بر خلاف سازمان سوسیال دموکراسی که مبارزه و دفاع در برابر بد رفتاری را مورد توجه قرار می دهد. وقتی سرانجام دولت تزاری زیر فشارهای پرولتاریای انقلابی لهستان و روسیه سقوط کند، و زمانی که آزادی سیاسی در کشور ما بوجود آید، خواهیم دید که همین سر اسقف وابسته به پاپ و همین اداره کنندگان کلیسا که امروز در برابر مبارزان به غرش در آمده اند، ناگهان سازمان دادن کارگران را بصورت اتحادیه های مسیحی و « ملی » شروع می کنند تا آنان را از مسیرشان منحرف سازند. هم اکنون در آغاز این فعالیت زیرزمینی با عنوان « دموکراسی ملی » هستیم که همکاری آینده با کشیشان را تضمین می کند و امروز آنان را یاری می دهد تا سوسیال دموکرات ها را بیاد تهمت بگیرند.

بنابراین کارگران باید از این خطر آگاه باشند - تا آنکه بخود اجازه ندهند در فرادی انقلاب، مجذوب کلمات شیرین آنهایی شوند که امروز از بلندی منبر، جرات می کنند از دولت تزاری که کارگران را می کشد، از دستگاه سرکوبگر سرمایه، که علت اصلی تنگدستی پرولتاریا است، دفاع کنند. برای کارگران ضرورت دارد که به منظور دفاع از خود در برابر مخالفت روحانیت در زمان حاضر و در طی انقلاب و در برابر دوستی دروغین فردای آنان و بعد از انقلاب، خود را در حزب سوسیال دموکرات سازمان دهند. و این پاسخی است به تمامی حمله های روحانیت : سوسیال دموکراسی به هیچ طریق با عقاید مذهبی مبارزه نمی کند. بعکس خواهان آزادی کامل وجدان برای هر فرد و گسترده ترین مدارای ممکن برای ایمان و عبقده است. اما از لحظه ای که کشیشان منبر را به عنوان وسیله ای برای مبارزه سیاسی علیه طبقات زحمتکش بکار گیرند، کارگران باید در برابر دشمنان حقوق و آزادی شان به نبرد برخیزند چرا که مدافع استثمارکنندگان و کسی که به طولانی شدن رژیم فلاکت آور حاضر یاری می رساند، دشمن خونین پرولتاریاست، خواه در خرقة کشیش و خواه در لباس پلیس.

تنها واقعیت یافتن فعالیت آگاهانه و منظم اجتماعی و اقتصادی توده هاست که به نابودی کامل تعصبات مذهبی منجر خواهد شد. هدف دگراندیشان و روشنگران باید که تا جائی ممکن پیوندهای بین طبقات بهره کش و سازمان و سازمان تبلیغات مذهبی را نابود کنند و در عین حال، با سازماندهی وسیع تبلیغات علمی - آموزشی و ضد مذهبی به توده های زحمتکش کمک کرده تا ذهن خود را به راستی از قید تعصبات مذهبی برهانند. با این همه، کاملاً ضروری است که از اهانت کردن به عواطف مذهبی افراد، که تنها به تشدید تعصبات مذهبی منجر می گردد، خودداری شود.